**«در محضر مرجعیت»**

**سلسله جلسات علمی حضرت آیت الله العظمی شیرازی دام ظله در ماه مبارک رمضان ۱۴۴6 (جلسه نوزدهم)**

نوزدهمین نشست علمی مرجع عالیقدر آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دام ظله در شب های ماه مبارک رمضان ۱۴۴6 با حضور جمعی از شخصیت های علمی، نمایندگان مراجع عظام تقلید، فعالان دینی و فرهنگی و طلاب علوم دینی، در شامگاه روز دوشنبه بیست و سوم رمضان المبارک ۱۴۴6 در بیت مرجعیت شهر مقدس قم برگزار شد.

مشروح مباحث مطرح شده در این نشست به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم، وله الحمد

کدام یک از سه سلام نماز، مخرِج از نماز هستند؟

پاسخ: سلام اول نماز به اجماع فقها مستحب است و باعث تمام شدن و خروج از نماز نمی‌شود. سلام سوم نیز به اجماع فقها، مُخرِج از نماز است و باعث تمام شدن نماز می‌شود. سلام دوم نماز اختلافی است که مشهور فقها در این مورد بیان کرده‌اند که سلام دوم نیز مُخرِج از نماز است. در مخرج بودن سلام نماز، مرحوم صاحب عروه می‌فرمایند: «و له صيغتان هما: “السلام علينا و على عباد الله الصالحين” و “السلام عليكم و رحمة الله و بركاته”، و الواجب إحداهما. فإن قدم الصيغة الأولى كانت الثانية مستحبة بمعنى كونها جزء مستحبا لا خارجا، و إن قدم الثانية اقتصر عليها. وأما “السلام عليك أيها النبي” فليس من صيغ السلام، بل هو من توابع التشهد، و ليس واجبا، بل هو مستحب، و إن كان الأحوط عدم تركه لوجود القائل بوجوبه. و يكفي في الصيغة الثانية “السلام عليكم” بحذف قوله “و رحمة الله و بركاته”، و إن كان الأحوط ذكره، بل الأحوط الجمع بين الصيغتين بالترتيب المذكور» (العروة الوثقی، ج2، ص203).

به چه دلیل هر زیاده و نقصانی در نماز باعث وجوب سجده سهو می‌شود؟

پاسخ: با توجه به روایت سفیان بن السِّمط از امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: «تَسْجُدُ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ فِي كُلِّ زِيَادَةٍ تَدْخُلُ عَلَيْكَ أَوْ نُقْصَانٍ» (وسائل الشیعة، ج8، ص251/ الباب 32، ح3)، هر زیاده و نقصانی که در نماز ایجاد شود باعث وجوب سجده سهو می‌شود. این روایت با اینکه بنابر برخی از مبانی رجالی سندش معتبر نمی‌باشد، ولی با توجه به اینکه مشهور فقها طبق این روایت فتوا داده‌اند، ضعف سند جبران می‌شود و از لحاظ حجیت مشکلی ندارد. مرحوم صاحب عروه نیز در این مورد می‌فرمایند: «يجب سجود السهو لأمور»، سپس در ششمین مورد آن می‌فرماید: «بل لكل زيادة ونقيصة لم يذكرها في محل التدارك، وأما النقيصة مع التدارك فلا توجب» (العروة الوثقی، ج2، ص359-360).

آیا گفتن هردعا و ذکری در نماز جایز است؟

پاسخ: از مجموع ادله به دست می‌آید که قرآن خواندن جز آیات سجده واجب، ذکر و دعاء در نماز جایز می‌باشد. مرحوم صاحب عروه در این مورد می‌فرمایند: «لا بأس بالذكر و الدعاء في جميع أحوال الصلاة بغير المحرم و كذا بقراءة القرآن غير ما يوجب السجود‌» (العروة الوثقی، ج2، ص223، م9).

آیا بخور گرفتن برای شخص مریض، باعث بطلان روزه‌اش می‌شود؟

پاسخ: بخار غلیظ مانند غبار غلیظ مفطر می‌باشد و باعث باطل شدن روزه می‌شود. کسی که مضطر به بخور گرفتن باشد، بر این شخص روزه واجب نیست و می‌تواند تمامی مفطرات را به جا بیاورد، و زمانی دیگر روزه را قضا می‌کند. مرحوم صاحب عروه در این مورد می‌فرمایند: «السادس إيصال الغبار الغليظ إلى حلقه بل و غير الغليظ على الأحوط سواء كان من الحلال كغبار الدقيق أو الحرام كغبار التراب و نحوه و سواء كان بإثارته بنفسه بكنس أو نحوه أو بإثارة غيره بل أو بإثارة الهواء مع التمكين منه و عدم تحفظه و الأقوى إلحاق البخار الغليظ و دخان التنباك و نحوه و لا بأس بما يدخل في الحلق غفلة أو نسيانا أو قهرا أو مع ترك التحفظ بظن عدم الوصول و نحو ذلك» (العروة الوثقی، ج3، ص24/ السادس). البته به نظر می‌رسد مفطر بودن «إيصال الغبار الغليظ» مبنی بر احتیاط وجوبی است، و اما نسبت به غبار غیر غلیظ که صاحب عروه احتیاط کرده، سزاوار است که این احتیاط ترک نشود.

آیا در نماز می‌توان خطاب به غیر خدای متعال کرد؟

پاسخ: تنها در سلام نماز خطاب به غیر خدای متعال جایز است، بنا بر دلیل خاصی که در این مورد وجود دارد. مرحوم صاحب عروه در این مسأله می‌فرمایند: «لا بأس بالدعاء مع مخاطبة الغير بأن يقول: “غفر الله لك” فهو مثل قوله: “اللهم اغفر لي، أو لفلان”» (العروة الوثقی، ج2، ص224/ فصل في مبطلات الصلاة، م13).

البته اینکه ایشان فرموده‌اند: «لا بأس»، بلکه بنابر اظهر مطلقا مخاطبه قرار دادن دیگری در نماز به هر نوعی ترک شود.

آیا در همه موارد مستحب است که افطار بر نماز مقدم شود؟

پاسخ: مستحب است که نماز بر افطار مقدم شود، مگر اینکه مورد تزاحم واقع شود، مثل اینکه شخصی مهمان است و منتظر آن هستند تا افطار کنند، که در این مورد و شبیه به این مورد، افطار کردن مقدم می‌باشد. مرحوم شیخ حر عاملی در یک باب تحت عنوان: «باب استحباب تقديم الصلاة على الإفطار إلا أن يكون هناك من ينتظر إفطاره أو تنازعه نفسه إليه» (وسائل الشیعة، ج10، ص149/ الباب 7) برخی از روایات این مسئله را جمع آوری نموده است.

یکی از روایات این مسئله، صحیحۀ زراره و فضیل از امام باقر علیه السلام است که آن حضرت می فرماید: «فِي رَمَضَانَ تُصَلِّي ثُمَّ تُفْطِرُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ مَعَ قَوْمٍ يَنْتَظِرُونَ الْإِفْطَارَ فَإِنْ كُنْتَ تُفْطِرُ مَعَهُمْ فَلَا تُخَالِفْ عَلَيْهِمْ وَ أَفْطِرْ ثُمَّ صَلِّ وَ إِلَّا فَابْدَأْ بِالصَّلَاةِ» (وسائل الشیعة، ج10، ص150/ الباب 7، ح2).

اگر شخصی که احتمال ضرری بودن روزه را نمی‌داده، بعد از روزه گرفتن متوجه شود که روزه بر او ضرری بوده، روزه‌اش باطل است، اما در مورد وضوء و تیمم اینگونه بیان نمی‌شود، فارق چیست؟

پاسخ: مرحوم صاحب عروه می فرماید: «و لو صام بزعم عدم الضرر فبان الخلاف بعد الفراغ من الصوم ففي الصحة إشكال فلا يترك الاحتياط بالقضاء» (العروة الوثقی، ج3، ص58/ فصل في شرائط صحة الصوم).

البته اینکه ایشان فرموده: «فلا يترك الاحتياط»، به نظر می رسد مشروط به این است که از ضررهایی باشد که تحمل آن جایز نیست.

همچنین ایشان می فرماید: «و إذا توضأ أو اغتسل باعتقاد عدم الضرر ثمَّ تبين وجوده صح لكن الأحوط مراعاة الاحتياط» (العروة الوثقی، ج1، ص462/ فصل في التیمم، م19).

آن دسته از فقها که میان این دو مورد فرق قائل شده اند، نظر به این داشته اند که الفاظ موضوع هستند برای موضوعات واقعی و با توجه به آیۀ مبارکۀ 184 و 185 سورۀ مبارکه بقره که بیان می کند مریض در ایام مریضی روزه نگیرد، بنابراین شخصی که روزه بر او ضرر داشته باشد، نسبت به روزه امر ندارد و علم و جهل شخص هم در کیفیت حکم اثر ندارد. بنابراین تعدادی از فقها بیان کرده‌اند که روزه چنین شخصی باطل است و تعداد دیگری از فقها بیان کرده‌اند که اگر روزه گرفتن ضرر بالغ نداشته باشد، روزه‌اش صحیح است، ولی واجب نیست. اما در مورد وضو و تیمم به این صورت است که فرمایش صاحب عروه در موردی است که امر ساقط نشده است و عدم وجوب رخصت است نه عزیمت.

در سلام اول نماز می‌توان قصد تحیت کرد؟

پاسخ: بله، قصد تحیت در سلام نماز از مستحبات است و اکثر قریب به اتفاق فقها بیان کرده‌اند که تحیت در سلام نماز مستحب است و واجب نیست.

آیا قمه‌زنی برای غیر از حضرت سیدالشهداء علیه السلام از معصومین علیهم السلام جایز است؟

پاسخ: استحباب قمه‌زنی از عمومات برداشت می‌شود. دلیلی که قمه‌زنی را برای حضرت سیدالشهداء علیه السلام مستحب می‌کند، همان دلیل برای غیر از ایشان از معصومین علیهم السلام نیز مستحب می‌باشد.

آیا می‌توان به تقویم هندی برای سید الشهداء علیه السلام عزاداری کرد؟

پاسخ: اگر این کار موجب ترویج باطل و تضعیف ایام محرم و صفر نباشد، جایز است؛ مثل اینکه در ایران برخی افراد به تقویم شمسی نیز برخی از مناسبات -همچون عید غدیر- را اقامه می کنند، که در مثل این موارد جایز است.

ازدواج با زنی که در عده است چه حکمی دارد؟

پاسخ: همانگونه که در جلسات گذشته بیان شد، ازدواج با زنی که در عده می‌باشد، بنا بر احتیاط وجوبی باعث حرمت ابدی می‌شود و بعد از تمام شدن عده نیز نمی‌توان با آن زن ازدواج کرد. فرقی نمی‌کند که نسبت به این موضوع علم داشته باشد یا جاهل باشد و یا اینکه دخول صورت گرفته باشد یا اینکه دخول صورت نگرفته باشد.

مرحوم صاحب عروه می فرماید: «إذا زنا بذات بعل دواما أو متعة حرمت عليه أبدا ‌فلا يجوز له نكاحها بعد موت زوجها أو طلاقه لها أو انقضاء مدتها إذا كانت متعة و لا فرق على الظاهر بين كونه حال الزنى عالما بأنها ذات بعل أو لا» (العروة الوثقی، ج4، ص304، م19).

البته اینکه ایشان فرموده: «حرمت عليه»، به نظر می رسد مبنی بر احتیاط وجوبی است.

و نیز ایشان می فرماید: «إذا زنا بامرأة في العدة الرجعية حرمت عليه أبدا دون البائنة و عدة الوفاة و عدة المتعة و الوطي بالشبهة و الفسخ» (العروة الوثقی، ج4، ص304، م20).

البته اینکه ایشان فرموده: «حرمت عليه»، به نظر می رسد مبنی بر احتیاط وجوبی است.

با توجه به اینکه دلیل حرمت رقص موثقة السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: أَنْهَاكُمْ عَنِ الزَّفْنِ وَ الْمِزْمَارِ وَ عَنِ الْكُوبَاتِ وَ الْكَبَرَات» (وسائل الشیعة، ج17، ص314) می‌باشد، این دلیل مطلق است و شامل رقص زن برای شوهر نیز می‌شود؛ ولی فقها فتوی داده‌اند که رقص زن برای شوهر جایز است. به چه دلیل است؟

پاسخ: آن دسته از فقها که رقص زن و شوهر برای یکدیگر بدون حضور شخص دیگری را جایز دانسته اند، ادله حرمت رقص از مورد رقص زن برای شوهر و بالعکس را منصرف می دانند، پس به تظر ایشان دلیل شامل این مورد نمی‌شود. همچنین در تمام فقه، مطلقات منصرف به مصادیق متعارف می‌باشد، و مصداق متعارف آن رقص غیر از زن و شوهر و نیز رقص در میان دیگران است، نه رقصیدن زن و شوهر، پس از این جهت هم رقص زن و شوهر برای یکدیگر بدون حضور کسی دیگر ایرادی ندارد.

اگر در محل خود انسان فقیر وجود دارد، آیا جایز است فطریه را به خارج از محل انتقال داد؟

پاسخ: نقل فطریه از محل انسان جایز است. مسأله‌ای که فقها بیان کرده‌اند این است که اگر در محل خود انسان فقیر وجود داشت و فطریه را به خارج از محل انتقال دادند اگر مال تلف شد، آن شخصی که فطریه را انتقال داده ضامن است. مرحوم صاحب عروه در این مسأله می‌فرمایند: «الأقوى جواز نقلها بعد العزل إلى بلد آخر و لو مع وجود المستحق في بلده و إن كان يضمن حينئذ مع التلف و الأحوط عدم النقل إلا مع عدم وجود المستحق» (العروة الوثقی، ج3، ص219، م4). و می‌فرمایند: «الأفضل أداؤها في بلد التكليف بها و إن كان ماله بل و وطنه في بلد آخر و لو كان له مال في بلد آخر و عينها فيه ضمن بنقله عن ذلك البلدة إلى بلده أو بلد آخر مع وجود المستحق فيه» (العروة الوثقی، ج3، ص219، م5).

اگر مال معینی را به عنوان زکات فطره کنار گذاشت، آیا جایز است از مال دیگر زکات را پرداخت کند؟

پاسخ: فقط در صورتی که بخواهد به مال مساوی و یا افضل تبدیل کند، جایز است. صاحب عروه در این مسأله می‌فرمایند: «إذا عزلها في مال معين لا يجوز له تبديلها بعد ذلك» (العروة الوثقی، ج3، ص219، م6).

البته اینکه ایشان فرموده اند: «لا يجوز»، به نظر می رسد تبدیل به مساوی و افضل جایز است.

طلاق خلع آیا از اقسام طلاق رَجعی است؟

پاسخ: طلاق خلع، از اقسام طلاق بائن است، ولی در صورت رجوع زوجه در بَذل خود، تبدیل به طلاق رَجعی می شود.

اگر شخصی وکیل در طلاق خلعی شده است ولی اشتباها طلاق رجعی داد، این طلاق چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر به صورت اشتباه در تطبیق بوده باشد، در این صورت حکم طلاق خلع را دارد.

وقائعی که نسبت به بعد از دفن امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده، همچون عبور امام حسن و امام حسین علیه السلام از خرابه ای و ملاقات با آن پیرمرد خرابه نشین، و مانند آن آیا معتبر هستند؟

پاسخ: این مسائل چون از اقتضائیات نیستند، نیازمند به سند صحیح نیستند، و صِرف وجود آن در کتاب های معتبر و عدم مخالفت آن با ضروریات و قطعیات شریعت برای اعتماد بر آن کافی است.

در راویان حدیث چند ابوبصیر وجود دارد، نظر مبارکتان دربارۀ ابوبصیر لیث بن بختری مرادی چیست، و اینکه وی از اصحاب کدام یک از امام بوده؟

پاسخ: به نظر می رسد با توجه به قرائن مختلف ایشان ثقه هستند.

 در صحیحۀ جمیل بن دَرّاج از امام صادق علیه السلام آمده است: «بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ بِالْجَنَّةِ بُرَيْدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ الْعِجْلِيُّ وَ أَبُو بَصِيرٍ لَيْثُ بْنُ الْبَخْتَرِيِّ الْمُرَادِيُّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ وَ زُرَارَةُ، أَرْبَعَةٌ نُجَبَاءُ أُمَنَاءُ اللَّهِ عَلَى حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ، لَوْ لَا هَؤُلَاءِ انْقَطَعَتْ آثَارُ النُّبُوَّةِ وَ انْدَرَسَتْ» (رجال الکشي، ص170، ح286).

مرحوم نجاشی دربارۀ او می نویسد: «ليث بن البختري المرادي أبو محمد، و قيل أبو بصير الأصغر، روى عن أبي جعفر و أبي عبد الله عليهما السلام. له، كتاب يرويه جماعة» (رجال النجاشي، ص321، رقم 876).

مرحوم شیخ طوسی نیز او را در زمرۀ اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام بر می شمرد (رجال الطوسي، ص144، رقم 1568 وص275، رقم 3970).

مرحوم علامه حلی دربارۀ او می نویسد: «ليث بن البختري‏ بالباء المنقطة تحتها نقطة المفتوحة و الخاء المعجمة الساكنة و التاء المنقطة فوقها نقطتين المفتوحة و الراء المكسورة المرادي أبو بصير و يكنى أبا محمد». سپس صحیحۀ جمیل بن درّاج را نقل می کند، و بعد از آن می گوید: «و قال الكشي: إن أبا بصير الأسدي أحد من اجتمعت العصابة على تصديقه و الإقرار له بالفقه. و قال بعضهم: موضع أبي بصير الأسدي، أبو بصير المرادي. و هو: ليث المرادي. و روي أحاديث في مدحه و جرحه، ذكرناها في كتابنا الكبير و أجبنا عنها. و قال ابن الغضائري: ليث بن البختري المرادي أبو بصير يكنى أبا محمد، كان أبو عبد الله عليه السلام يتضجر به و يتبرم، و أصحابه مختلفون في شأنه. قال: و عندي أن الطعن إنما وقع على دينه لا على حديثه. و هو عندي ثقة، و الذي أعتمد عليه قبول روايته و أنه من أصحابنا الإمامية للحديث الصحيح الذي ذكرناه أولا، و قول ابن الغضائري: إن الطعن في دينه، لا يوجب الطعن» (خلاصة الأقوال، ص136، رقم 2).

طبقۀ رجالی و نظرتان پیرامون وثقات محمد بن سنان و عبد الله بن سنان چیست؟

پاسخ: عبد الله بن سنان را همۀ رجالیان توثیق کرده اند (رجال النجاشي، ص214، رقم 558. وفهرست الطوسي، ص291، رقم 434)، و وی از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام است (رجال الطوسي، ص339، رقم 5053)، ولی محمد بن سنان متأخر از او بوده، و در مورد او اختلاف است که به نظر می رسد ایشان نیز بنابر برخی قرائن ثقه هستند.

همچون کلام مرحوم شیخ مفید که می فرماید: «فَمِمَّنْ رَوَى النَّصَّ عَلَى الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى علیهما السلام بِالْإِمَامَةِ مِنْ أَبِيهِ وَ الْإِشَارَةِ إِلَيْهِ مِنْهُ بِذَلِكَ مِنْ خَاصَّتِهِ وَ ثِقَاتِهِ وَ أَهْلِ الْوَرَعِ وَ الْعِلْمِ وَ الْفِقْهِ مِنْ شِيعَتِهِ» سپس جماعتی را نام می برد و در پایان می نویسد: «وَ مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ» (الإرشاد، ج2، ص247-248).